

تأملی بر نسبت میان فناوری‌های اطلاعاتی با تغییرات در فرهنگ و مناسبات اجتماعی

حسین ابراهیم آبادی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۲

چکیده

فناوری‌های اطلاعاتی و فضای مجازی برآمده از آن، در حال شکل‌دادن سپهر جدیدی از مطالعات روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و فرهنگی مربوط به تأثیر متقابل فناوری، فرهنگ و انسان به‌طور عام و تعامل فضای سایبر با فرهنگ، هویت و مناسبات انسانی است. مطالعات سال‌های اخیر این حوزه، دست‌کم از این وجه قابل تأمل می‌نماید که آیا پیامدها و آسیب‌شناسی‌های روانی و اجتماعی فضای مجازی ناشی از سرریز شدن مشکلات و مسائل جامعه و فضای واقعی در فضای مجازی است یا این‌که چالش‌ها و آسیب‌های اجتماعی موردنظر حاصل رشد و گسترش رسانه‌های الکترونیکی و فضای مجازی است؟ با این رویکرد، مقاله سعی دارد ضمن توصیف و تبیین تأثیر فرهنگ، جامعه و سنت‌های برآمده از آن بر فضای مجازی و مناسبات و محتوای درون آن، واز دیگر سو، تأثیر فضای مجازی بر فرهنگ، کنش‌های اجتماعی، هویت، نگرش‌ها و رفتارهای فردی و جمعی، بر این نکته تأکید کند که با توجه به سابقه و تجربه کم تعامل انسان با فناوری‌های اطلاعاتی و فضای مجازی، سخن گفتن قاطع درباره پیامدهای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و فضای مجازی عجولانه به نظر می‌رسد. از این رو پیشنهاد می‌شود دو اصل در تحقیقات فرهنگی و اجتماعی فضای سایبر مفروض گرفته شود؛ یکی این‌که، در مطالعات فضای مجازی نباید دچار کژراهه تشخیص اولویت‌ها شد و به‌جای پرداختن به موضوعات پایه صرفاً به آسیب‌ها و مشکلات ناشی از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات روی آورد. دوم این‌که هم در ابعاد نظری و هم در ابعاد روشی در مطالعات فضای مجازی در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی نمی‌توان صرفاً به نظرگاه و روش‌های سنتی تکیه کرد و می‌بایست در نظر و روش و ابزارها، راه‌های جدیدی در پیش گرفت.

واژگان کلیدی: فضای سایبر، فناوری‌های اطلاعاتی، تغییرات فرهنگی، مطالعات فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی، تعامل انسان و فناوری.

مقدمه: فناوری‌های اطلاعاتی و نسبت آن با تغییرات در فرهنگ و مناسبات اجتماعی

گسترش و نفوذ فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در تمامی ابعاد زندگی آدمی و در پی آن پدیدار شدن فضای سایبر، بی‌گمان تغییراتی در فرهنگ، هویت و مناسبات فردی، میان فردی و به‌طور کلی ساخت اجتماعی جوامع ایجاد کرده‌است. اما، ماهیت این تغییرات چیست؟ شدت آن تا چه اندازه است، و آیا اساساً تجارب زندگی در فضای سایبر تا اندازه‌ای است که هم‌اکنون بتوان درباره آن به مطالعه و داوری نشست؟ احتمالاً واقع‌بینانه‌ترین رویکرد نظری به تأثیر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر زندگی و مناسبات انسانی و اجتماعی، برداشتی بود که تومی در آغاز قرن حاضر (۲۰۰۰-۲۰۰۲) ارائه کرد. او در این باره می‌گوید ما هنوز نمی‌توانیم بگوییم فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطی و رایانه‌ای چه جایگاهی در شکل‌دهی رفتارهای جاری ما دارند، چگونه بر زندگی ما تأثیر می‌گذارند و چه تأثیری بر یادگیری و رفتارهای آینده ما خواهند داشت. در عین حال برخی به دلیل گسترش دامنه‌دار فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و شتاب تحولات ناشی از ظهور جامعه اطلاعاتی (۲۰۰۳ به این سو) بر این باورند که هم‌اکنون می‌توان به صورت بندی و تحلیل آثار و نتایج این رخداد فنی - اجتماعی و الگوی فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار فضای سایبر بر اندیشه، احساس و رفتار، سخن به میان آورد. کما این‌که در سال‌های اخیر در سطح جهانی و در سطح محیط ملی، مباحثی مانند جرایم رایانه‌ای^۱، اخلاق اینترنت^۲، نقض حریم خصوصی^۳، اعتیاد اینترنت^۴، هرزه‌نگاری اینترنتی^۵ و هویت دیجیتال^۶ مورد بررسی و تأمل قرار گرفته‌اند. برای نمونه در ایران، دانشکده مطالعات جهان با همکاری کمیسیون ملی یونسکو (۱۳۸۸) سمینار ملی فضای مجازی، ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی را برگزار و محققان ایرانی، مطالعات و ملاحظات خود را در خصوص موضوعات مورد اشاره توصیف و تبیین کردند. در سال‌های گذشته و در همین باره مقاله‌های بسیاری در مجلات علمی و پژوهشی در موضوع‌هایی چون اینترنت، سلامت روان و پیامدهای استفاده از اینترنت در قالب مقاله، کتاب و تحقیق انتشار یافته است (ر.ک به باقری، ۱۳۸۱؛ رنجبر، درویزه و نراقی زاده، ۱۳۹۰؛ کوپر، ۱۹۹۸، یانگ، ۲۰۱۰؛ ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۹؛ منتظر قائم،



1. cyber crime
2. internet ethic
3. breach of privacy
4. internet addiction
5. internet pornography
6. digital identity

۱۳۸۹). در جریان مطالعات فرهنگی و اجتماعی مربوط به ارتباطات و فناوری‌های اطلاعات و تحقیقات در ابعاد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی فضای سایبر که در سال‌های اخیر با استقبال قابل ملاحظه‌ای مواجه شده است، سعی بر این است علاوه بر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، تأثیرات و پیامدهای این فناوری‌ها و تعامل و کنش آن با مسائل جاری زندگی و مناسبات انسانی مورد تأمل و بررسی قرار گیرد. در طول این سال‌ها و از زمان نفوذ اینترنت در تمامی ابعاد حیات اجتماعی و افزایش نرخ رشد کاربران انواع فناوری‌های اطلاعاتی و نیز توسعه شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر و حضور رو به تزاید و متراکم کاربران این شبکه‌ها، شاهد شکل‌گیری الگوهای جدیدی از روابط و تعاملات میان فردی و اجتماعی هستیم. افراد به هنگام حضور در شبکه، کوله‌باری از نگرش‌ها، تجربه‌ها و هیجانات مثبت و منفی خود را به درون شبکه می‌برند، و هم‌زمان تحت تأثیر اطلاعات، کنش‌ها و تعاملات دیگران حاضر در شبکه قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی و با آگاهی از روابط و تأثیر متقابل فضای واقعی و مجازی، پرسش کلیدی که می‌تواند مطرح شود این است که آیا این کاربران فضای سایبر هستند که آسیب‌ها و مشکلات ذهنی، نگرشی و رفتاری خود را به درون فضای مجازی می‌برند و فضای سایبر را به مکانی برای بروز و عرضه آن تبدیل می‌کنند؟ به عبارت دیگر، آیا فضای سایبر، شبکه‌های اطلاعاتی و رسانه‌های الکترونیکی هستند که امکان و فرصت آشکار کردن و مشاهده تعارض‌ها، نارسایی‌ها و نابسامانی‌های ذهنی و رفتاری آدمیان را فراهم آورده‌اند؟ و یا اینکه این رسانه‌های الکترونیکی، شبکه‌های اجتماعی حاضر در این فضا و محیط‌های مجازی هستند که آسیب‌زا، مشکل‌آفرین و زمینه‌ساز تولید و گسترش ناهنجاری‌ها و اختلال‌های اجتماعی و روانی‌اند؟ تحقیقات و بررسی‌های انجام شده درباره آسیب‌شناسی ابعاد اخلاقی، فرهنگی، روانی و اجتماعی اینترنت در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در این باره دقت و تأمل درخوری صورت نگرفته است، دست کم از این وجه که آسیب‌ها و مسائلی که در مناسبات انسان و ارتباط‌های رایانه‌ای مورد توجه و مطالعه قرار گرفته‌است، به چه میزان تحت تأثیر فضای واقعی است و اینکه آیا سرریز مشکلات و مسائل مربوط به جامعه محسوب می‌شود یا این که برآمده از رسانه‌های الکترونیکی و فضای مجازی است؟

یکی از تکیه‌گاه‌های پرسش مورد اشاره یافته‌هایی است که در تحقیقات سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ درباره موضوع دسترسی و الگوی استفاده از اینترنت مورد مطالعه و مشاهده واقع شده است. در این پژوهش‌ها که به روش‌های آزمایشی و علی مقایسه‌ای انجام گرفته



است، این نتیجه راهبردی به دست آمده است که الگوی استفاده از اینترنت بیش از این که متأثر از کارکردهای اینترنت، شبکه و رسانه‌های الکترونیکی باشد، تحت تأثیر عوامل ذهنی، نگرشی و انگیزشی محیط بیرونی و بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران و شهر تهران است. به عبارت دیگر، کاربران (دست‌کم تاکنون) در استفاده از اینترنت و شبکه‌ها، برنامه‌ها و محتوای درون آن اثرپذیری قابل ملاحظه‌ای از محیط فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی خود دارند و از نظر آماری و تبیین نتایج تحقیق، اثرگذاری محیط و موقعیت اجتماعی بر الگوی استفاده از وب در مقایسه با تعاملات و مناسبات انسانی و ابزاری درون شبکه، بزرگ‌تر و معنادارتر به نظر می‌رسد. هم‌چنین در پی مصاحبه و گفت‌وگو با ۳۰ نفر از افراد ۲۹ تا ۲۳ ساله که روزانه حداقل ۲ تا ۳ ساعت از اینترنت و فضای مجازی استفاده می‌کنند (۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲) نوعی اختلاف دیدگاه و تجربه درباره آثار و پیامدها و آسیب‌های ناشی از استفاده از اینترنت مشاهده می‌شود. نقطه بارز داده‌ها در دو ویژگی نهفته است: یکی این‌که، حضور افراد در فضای مجازی و مشخصاً شبکه‌های اجتماعی برای رها شدن در فضایی است که بتوانند نگرش‌ها و رفتارها و هیجان‌های خود را در ورای قالب‌های رسمی و تعریف شده اجتماعی بازگو کنند و به نمایش بگذارند. به عبارت دیگر، شبکه و فضای وب، ظرفیتی است برای ایجاد موقعیت و فضایی خصوصی که کاربران بتوانند مشکلات ذهنی و رفتاری خود را به آنجا ببرند و در پی پاسخ‌گویی به نیازها و بروز نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای خود باشند. دوم این‌که، فضای مجازی، کلید و پنجره درک جدیدی از دنیا و روابط اجتماعی جامعه خود و نیز ساختاری کمکی برای هویت‌جویی‌های نو و دست‌یابی به دانش و تجربه‌هایی متفاوت است. با چنین رویکرد و استنباطی است که می‌توان هشدار داد در تأثیرگذاری‌های فضای سایبر نباید دچار اغراق و نوعی پیش‌گویی بدون اتکاء به اطلاعات و تجارب شویم. به بیان دیگر باید توجه داشت بسیاری از آسیب‌هایی که در تحقیقات روان‌شناختی و جامعه‌شناختی که به شبکه‌های ارتباطی و فضای مجازی ارجاع می‌شود، می‌تواند برآمده از مسأله‌ها و مشکلات امروز کاربران باشد که صرفاً در فضای مجازی امکان ظهور و فرصت شناساندن و شناخته شدن پیدا کرده است. برای نمونه با ظهور و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و شکل‌گیری محیط‌های الکترونیکی، این بحث در محافل تخصصی و عمومی مطرح شد که در این شرایط، فردگرایی گسترش می‌یابد و موجب اختلال در روحیه جمع‌گرایی افراد جوامع می‌شود و در نهایت زمینه‌ساز کاهش حضور فعال کاربران در ارتباطات میان‌فردی، گروهی و کنش‌های اجتماعی خواهد شد. سانتروک^۱



(۲۰۱۱: ۴۰۰) به نقل از راجرز (۱۹۹۵) اظهار می‌کند که کاهش روابط جمعی و جمع‌زدایی از پیامدهای فناوری‌های اطلاعاتی است. سانتروک (۲۰۱۱: ۳۹۸) به نقل از ریدوز، روبرترز و فوهر (۲۰۰۵) اشاره می‌کند به این‌که بررسی‌ها نشان دهنده این نکته است که نوجوانان، محصور رسانه‌های الکترونیکی شده‌اند و به‌طور متوسط ۶/۵ ساعت از روز و ۴۴/۵ ساعت از وقت هفتگی خود را به آن اختصاص می‌دهند و تنها ۲/۵ ساعت از روز را با والدین و فقط ۵۰ دقیقه را صرف انجام تکالیف درسی می‌کنند. تافلر (۲۰۰۶: ۲۹) و فریدمن (۲۰۰۷) نیز می‌گویند ما امروز به محاصره میل‌ها و وبلاگ‌ها در آمده‌ایم و شبکه‌های اجتماعی و انواع رسانه‌ها و ابزارهای مجازی و الکترونیکی بر کلیات و روند زندگی ما و نیز شکل و کیفیت روابط ما تأثیر می‌گذارند. هرچند برخی صاحب‌نظران بر تأثیر منفی فضای سایبر بر الگوی روابط اجتماعی تأکید دارند، اما افرادی نظیر کستلز (۱۹۹۹) با نظرگاهی متفاوت بر تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی در شکل‌گیری هویت‌های جدیدی که از نظر او عموماً اجتماعی و دارای سرشتی فرهنگی است تأکید می‌کنند. در همین چارچوب در سال‌های اخیر از تأثیر محیط‌های سایبر بر شکل‌گیری روابط جدید اجتماعی و فراهم شدن فرصت‌های جدید برای همکاری و مشارکت، سخنان بسیاری بر زبان آمده است. گریسون و کلوند - اینس (۲۰۱۰) می‌گویند تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهد اجتماع آن‌لاین با ایجاد فرصت‌های تعامل در فضاها موجود، زمینه‌های حمایت و حضور اجتماعی شامل توانایی مشارکت (سهیم شدن) برای شناسایی مسائل اجتماعی با دیگران (اجتماع) و ارتباط هدفمند در یک محیط با اعتماد (مطمئن) و توسعه ارتباطات میان فردی را فراهم می‌آورد و راه را برای شیوه‌های نو در یادگیری و زندگی فراهم می‌کند. به رغم گذشت نزدیک به دو دهه از پیدایش و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی، نوعی سردرگمی درباره تأثیرات فردی و اجتماعی اینترنت و فضای سایبر به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر نقشه شناختی ما هنوز درباره تأثیرات فضای سایبر ناقص و ناکامل است. شهشهانی (۱۳۹۰)، تابش (۱۳۹۰) و معتمد نژاد (۱۳۹۱) در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان پیامدهای رسانه‌های الکترونیکی و محیط مجازی در سطح خرد مانند نگرش‌ها، احساسات و روابط فردی، میان فردی و گروهی را توصیف و تحلیل کرد می‌گویند شاید هنوز زود باشد درباره ابعاد و آثار فناوری‌های اطلاعاتی و فضای سایبر در سطوح فردی و مناسبات انسانی سخن به میان آورد. مثلاً درباره نقش شبکه در کاهش تعلق به روابط اجتماعی و خانوادگی نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت و یا بر اساس تجربه جنبش‌های اسلامی و مدنی در خاورمیانه و کشورهای عربی



نمی‌توان برخی نظرات که می‌گفتند اینترنت موجب کاهش جمع‌گرایی و هم‌چنین باعث تضعیف اجتماعات در فضای واقعی می‌شود را به آسانی پذیرفت.

تعامل فناوری با ذهن، فرهنگ و رفتار انسان

برای ادراک بیشتر تأثیر متقابل روابط کاربران با شبکه‌های ارتباطی و فضای مجازی، بررسی رویکردهای نظری تبیین‌کننده رابطه انسان با ماشین و رایانه حائز اهمیت است. تعامل میان انسان، ماشین و جامعه همواره مورد توجه بوده است (برای اطلاع بیشتر ر. ک به نورمن، ۱۹۸۲؛ مازلیش، ۱۹۸۶). در این چارچوب نورمن مشکلات رابطه انسان و تکنولوژی را به شخص بر نمی‌گرداند، بلکه طراحی نامناسب و بی‌توجه به سازمان‌شناختی و نظام‌یادگیری انسان را اساس خطاهای انسانی در به‌کارگیری تکنولوژی می‌داند. مازلیش (۱۹۸۶) نیز در تبیین رابطه انسان و ماشین، اصالت بیشتری را به انسان و استعدادها و توانایی‌های او می‌دهد. در این چارچوب است که بنابر نظر صاحب‌نظران از جمله هیل یکی از ویژگی‌های متمایز فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات با دیگر رسانه‌ها در این است که این فناوری‌ها با کردارها و ساخت تکاملی انسان‌ها نزدیک‌تر و همگراتراند. به گفته پایا (۱۳۸۷: ۵۹) فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برخلاف دیگر فناوری‌ها با سپهر معنا، چیستی انسان و ماهیت بخشی به او در ارتباط است. پایا در توضیح بحث می‌گوید سپهر معنا به مانند دیگر ساختارهای شبکه‌ای از ساختاری شبکه‌ای برخوردار است و به نقل از نوتون (۱۹۹۹) و کستلز (۲۰۰۱) می‌نویسد: فناوری اطلاعات، که عهده‌دار انتقال و توزیع عناصر سپهرهای معانی میان افراد است، در معماری بیرونی و شبکه توزیعی خود نیز دارای ساختاری از نوع شبکه‌های با مقیاس آزاد است. ویژگی ممتاز فناوری‌های اطلاعات به مثابه یک شبکه در این است که با کاربران و از طریق آنان با بافت اجتماعی و موقعیت‌های زندگی آنان در تعامل و همکاری قرار می‌گیرد. در این میان معتمد نژاد (۱۳۸۴) دو دیدگاه خوش‌بینانه و بدبینانه را درباره نسبت میان رسانه‌های الکترونیکی و تغییرات اجتماعی مورد توجه قرار می‌دهد. او می‌گوید دیدگاه‌های خوش‌بینانه در پی اثبات اثرات مثبت رسانه‌های الکترونیکی نوین بر دموکراتیک‌سازی و تمرکز زدایی، حل و فصل مسائل کهنه و نئی اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی است، و دیدگاه بدبینانه بر این باور است که تعارض‌های طبقاتی، شکاف‌های اجتماعی، اقتصادی و گسترش بحران سرمایه‌داری



از پیامدهای گسترش و نفوذ رسانه‌های الکترونیکی به شمار می‌آیند... محسنی (۱۳۸۰) درباره سرشت و کارکرد تکنولوژی اطلاعات می‌گوید که در این پدیده ما شاهد پیوستگی تمامی تکنولوژی‌های پیشرفته (والبته همگی نوین) در قالب یک پیکر واحد از شبکه اطلاعات جهانی هستیم، جایی که شریان‌های حیاتی یک جامعه مجازی به یکدیگر گره می‌خورد. داتن (۲۰۰۴): (۴۴) می‌گوید علاقه مفرط به نوآوری‌های تکنولوژیک موجب این عقیده رایج شده است که تحولات ناشی از پیشرفت‌های فناوری تا حدی از قبل رقم خورده و جبرگرایانه است. از نظر او از دیگر سو کسانی مشتاقانه به استقبال فناوری‌ها می‌روند و جهان را چون مدینه فاضله‌ای سرشار از ثروت و فراغت برای همه ترسیم می‌کنند. با این رویکرد هم‌چنان که اشاره شد، درباره آثار و پیامدهای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به طور عام و اینترنت به طور خاص دو دیدگاه خوش‌بینانه و بدبینانه وجود دارد؛ دسته‌ای از دیدگاه‌ها؛ فناوری‌های اطلاعاتی را به دلیل خصلت تعاملی و عملکرد شبکه‌ای آن مقوم فرهنگ و اجتماعات انسانی می‌دانند. دسته‌ای دیگر، فناوری‌های اطلاعاتی و شبکه وب را به دلیل ویژگی‌های صرفاً فنی، فردگرایانه و غیرقابل کنترل بودن آن، کاهش دهنده توسعه تعاملات و انسجام در یک جامعه می‌دانند. جدول زیر در یک نگاه مؤلفه‌های این دو دیدگاه را به نقل از مؤلف و با برداشت از دیدگاه وارشر (۲۰۰۳) نشان می‌دهد.



جدول ۱. رویکرد ابزارگرایانه- فناورانه در برابر مدل‌های اجتماعی- فنی
در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات و تأثیر آن بر الگوی روابط

مدل‌های فنی- اجتماعی	مدل‌های ابزاری و فنی (استاندارد)
ict یک شبکه‌ی فنی- اجتماعی و اجتماعی- فنی است برای پیشبرد امور فردی و جمعی	Ict یک ابزار است برای پیشبرد امور فردی
یک محیط پشتیبان و محور تحرک برای توسعه فضای کسب و کار جامعه است	فناوری‌های اطلاعاتی، یک مدل برای رونق کسب و کار فردی است
کاربردهای ict، فرآیندی، جریان‌دار و مرتبط با بافت فرهنگی و اجتماعی و شرایط محیطی است	کاربردهای ict برای فرد و جمع مقطعی و موردی است
تأثیرات فناوری اطلاعات فردی، جمعی و اجتماعی است	تأثیرات فناوری اطلاعات بیشتر فردی است
فناوری‌های اطلاعاتی الگوی روابط جمعی جاری که ما به آن عادت کرده‌ایم را تغییر می‌دهد	فناوری‌های الکترونیکی، فردگرایی در حضور جمع مثلاً خانواده و یا دوستان را تشدید می‌کنند
مشوق‌ها در وجوه تعاملی و روابط و به اشتراک گذاشتن منابع و توانایی‌ها نیز تأثیرگذار است	مشوق‌های کار با فناوری‌های اطلاعاتی بیشتر محدود به فرد است
روابط پیچیده، مذاکره‌ای، جمعی و چندارزشی است	روابط انسانی در آن خطی و به آسانی جابه‌جا و اصلاح می‌شود
Ict، دارای بازتاب‌های بالقوه عظیم اجتماعی است که نه فقط بر کیفیت تحصیل و شغل بلکه بر کل کیفیت زندگی، اثرات دوگانه دارد	تأثیرات اجتماعی ict، هرچند بزرگ ولی موردی و خوش خیم است
زمینه‌ها، شرایط محیطی و بافت فرهنگی و اجتماعی پیچیده انگاشته می‌شود (مثلاً ماتریس کسب و کار و الگوهای ارتباطی)	زمینه‌ها و بسترهای محیطی که فناوری در آن توسعه می‌یابد و زیست می‌کند ساده دیده می‌شود
دانش و تخصص در آن به‌نحو جمعی و تعاملی تولید و توزیع می‌شود	دانش و تخصص فردی در آن به آسانی قابل دست‌یابی است
الگوی استفاده از اینترنت معطوف به نیازها و شرایط جمعی است	الگوی استفاده از اینترنت فردگرایانه است



در مقابل دو رویکردی که در بالا به آنها پرداخته شد، رویکرد عملگرایی نیز وجود دارد. اسناد و اعلامیه‌های دو اجلاس جهانی جامعه اطلاعاتی (ژنو، ۲۰۰۳ و تونس، ۲۰۰۵) بیان‌گر دیدگاه عملگراییانه بسیاری از صاحب نظران و کارشناسان در موضوع مورد بحث است. از نظر این دسته از افراد، گسترش روز افزون فناوری‌های اطلاعاتی، اینترنت و شبکه وب به معنای گرایش جوامع به ارزش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شبکه‌های اطلاعاتی و نیز توافق افراد و گروه‌های اجتماعی در این باره می‌باشد. در چنین الگویی توسعه کمی و کیفی اینترنت و شبکه وب نشانه‌ای است از این‌که توسعه وب تنها در بعد فنی خلاصه نمی‌شود، بلکه بعد فرهنگی، ذهنی و اجتماعی آن نیز حائز اهمیت است. برای فهم این نکته و نشان دادن سازگاری توسعه وب با جامعه و ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن، آمار و اطلاعات، کمک قابل ملاحظه‌ای است. سرعت رشد اینترنت و شبکه وب در مقایسه با سایر رسانه‌ها مانند رادیو و تلویزیون نشان‌گرهای خوبی از نفوذ اجتماعی این رسانه جدید است. رادیو برای رسیدن به ۵۰ میلیون مخاطب، ۳۸ سال و تلویزیون برای رسیدن به این میزان تماشاگر، ۱۳ سال و اینترنت تنها ۴ سال زمان صرف کرد (معمد نژاد، ۱۳۸۴: ۳). ضریب نفوذ اینترنت در جهان بنابر گزارش آیکن (۲۰۱۰) نشان می‌دهد بیش از یک سوم جمعیت فعال جهان و نزدیک به نیمی از جمعیت کشورهای دارای اینترنت پرسرعت به شبکه‌های اطلاعاتی دسترسی دارند و تعداد کاربران اینترنت بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ از یک و نیم میلیارد نفر عبور کرده است. معتمد نژاد (۱۳۸۴: ۴۸) در همین باره می‌گوید: به رغم برخی دیدگاه‌های رادیکال، برخی تحلیل‌گران اجتماعی و اقتصادی معاصر، نسبت به آثار منفی سلطه تکنولوژی، بدبینی کمتری ابراز کرده‌اند. به عنوان مثال "جان کنت کالبرایت" معتقد است که با پیشرفت صنعتی سازی «مقتضیات سازمان‌دهی، تکنولوژی و برنامه‌ریزی» در اوضاع و احوال مختلف جوامع (سرمایه‌داری در برابر سوسیالیسم) تأثیر می‌گذارند و با توجه به طبیعت و ماهیت ساختار تکنیک مدار آنها، نتایج مشابهی پدید می‌آورند. بعضی از محققان هم بر خلاف انتقادهای «ژاک ال» درباره پیامدهای مخرب تکنولوژی مداری، برای تکنولوژی آثار مثبت قائل‌اند و عقیده دارند که تکنولوژی، امکانات جدید فراوانی برای بشریت فراهم کرده است و ما در چگونگی انتخاب آن آزاد هستیم و می‌توانیم با طرز انتخاب خود، امکانات آن را با مصالح خویش منطبق کنیم و به عبارت روشن‌تر، شیوه برخورد ما در برابر تکنولوژی باید آن‌چنان باشد که خودمان را با محیط تازه ناشی از آن منطبق سازیم و «آمادگی» خویش را برای بهره‌برداری



صحیح از فرصت‌های جدید پدید آمده از طریق تکنولوژی‌ها افزایش دهیم. تحت تأثیر همین نوع اندیشه است که «دونالد شون»، محقق اجتماعی معاصر آمریکایی گفته است: همانگونه که ما آموخته‌ایم، بیش از آنکه نوآوری‌های تکنولوژیک بر ما اثر بگذارد، ما بر آنها اثر می‌گذاریم. این نوآوری‌ها، در زمینه طبیعت و ساختار شرکت‌ها، صنایع و روابط دولت‌ها با صنایع و هم‌چنین ارزش‌ها و هنجارهای شکل دهنده اندیشه ما درباره خودمان و در مورد پیشرفت جامعه، اقتضاها و تأثیرهای خاص خود را دارد.

بنا به گفته محسنی (۱۳۸۰) درباره رابطه متقابل فناوری و تغییرات اجتماعی، آگبورن معتقد است که تکنولوژی همیشه اولین عامل تغییر اجتماعی است و از آنجا که تکنولوژی به سرعت متحول می‌شود و تغییر در نهادهای اجتماعی به کندی صورت می‌گیرد، تأخر فرهنگی^۱ که نوعی فاصله میان نظام‌های جامعه است پدید خواهد آمد. او اعتقاد داشت که یک نوآوری مهم تقریباً همه ابعاد جامعه را دگرگون می‌سازد. مثلاً اختراع اتومبیل، بازرگانی در ابعاد بین‌المللی را امکان‌پذیرتر کرده است و اجازه داده است که نیروی کار در کارخانجات بزرگ متراکم شود و این اجتماعات به نوبه خود برخی از جنبش‌های کارگری را به وجود آورد. از مظاهر دیگر تکنولوژی که تأثیرات فرهنگی بسیار داشته است می‌توان تلویزیون، هواپیما و کامپیوتر را ذکر کرد. تحولات الکترونیک، همواره دگرگونی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متعددی را در بر دارد. همانگونه که آگوست کنت خاطر نشان کرده است در جامعه، پاره‌ای عوامل سبب تغییر می‌شوند و پاره‌ای دیگر سبب ثبات. و به نظر می‌رسد که وقتی دامنه سرعت تغییرات افزایش می‌یابد درک کامل‌تر این عوامل ضروری‌تر می‌شود. محسنی (۱۳۸۴) در ادامه می‌گوید اینترنت را از نظر جامعه‌شناسی می‌توان یک «سیستم» دانست و یا به تعبیری دیگر مدخلی بر «جامعه الکترونیک»، جامعه‌ای که از عناصر اصلی سیستم اینترنت یعنی تولیدکنندگان (سایت‌ها یا شبکه‌های مرتبط)، واسطه‌ها (توزیع‌کننده‌ها) و مصرف‌کنندگان (کاربران) تشکیل شده است. با توجه به آنچه که بر شمرده شد، روابط اجتماعی در دو فضای واقعی و مجازی در جدول زیر با هم مقایسه شده است. در این مقایسه تلاش بر این است تا نوع، شکل و تحول در قلمرو روابط انسانی در موقعیت‌های واقعی و در فضای شبکه، در یک نگاه نشان داده شود.



جدول ۲. مقایسه مناسبات اجتماعی در دو فضای واقعی و مجازی

روابط اجتماعی در فضای واقعی	روابط اجتماعی در فضای مجازی	روابط اجتماعی در شبکه والگویی ارتباطی
غیر حضوری و از راه شبکه	رودررو و چهره به چهره	نوع رابطه
دور	نزدیک	فاصله جغرافیایی
روابط انتخابی و متنوع است	روابط تا حدودی الزامی است	شکل رابطه
تنوع و تعدد افراد و گروه‌ها	محدود بودن تعداد	گستره رابطه
نسبتاً متغیر و چندگانه	نسبتاً ثابت	نوع تعامل
روابط سرعت بیشتری دارد	روابط تدریجی است	تحول رابطه
نگرش و علائق تا حدودی یکسان	نگرش و علائق متفاوت و گاه نزدیک	نگرش و رغبت
زبان‌های متفاوت	زبان مشترک	زبان

شبکه‌های اطلاعاتی و تسهیل در عملکرد ارتباطی انسان

از جمله دلایلی که رابطه فضای مجازی با زندگی فرهنگی، سبک زندگی و الگوی روابط میان فردی و در نهایت شکل‌گیری هویت‌های جدید را قابل تأمل ساخته است، نزدیکی میان فناوری‌های اطلاعاتی با کارکردهای تکاملی انسان است. به عبارت دیگر، ویژگی مهم فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در مقایسه با دیگر فناوری‌ها در این است که منطق، سرشت و الگوریتم و به طور کلی عملکرد آن با ادراک و احساس آدمی نزدیک‌تر است. شاید به همین دلیل بتوان گفت اینترنت و شبکه وب آن چنان نرم، آهسته و بی صدا در زندگی و حیات شخصی و عمومی ما وارد شده است که ما آمدنش را احساس نکرده‌ایم. به عنوان مثال شبکه وب با حضور فعال کاربران معنا می‌یابد و چرخه حیات وب بدون کنش فعال استفاده‌کنندگان چرخه‌ای معیوب، بی ثمر و بی روح تلقی می‌شود. از این‌روست که می‌توان گفت وب بیش از آن‌که پدیده‌ای فنی باشد، پدیده‌ای انسانی و اجتماعی یا دست کم پدیده‌ای اجتماعی-فنی به حساب می‌آید. به نظر می‌رسد گردآوری اطلاعات، سازماندهی و تصمیم‌گیری برای انتخاب اطلاعات، نیازمند ابزار و محیطی کارآمد است که وب آن را در اختیار ما قرار می‌دهد. از این‌روست که گریسون و اندرسون (به نقل از ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۹: ۲۱) فناوری‌های اطلاعاتی و شبکه‌ها و ابزارهای درون آن مانند وب را ابزارهای جدید شناختی می‌دانند که به گونه‌ای هوشمند موجب تسهیل در عملکرد انسان می‌شوند. «جان مایو» سرپرست فنی فروشگاه اینترنتی نایک استور (۲۰۰۶) نیز بر این باور است آنچه که در وب اهمیت دارد جذب کردن کاربر، ارائه آنچه که در پی آن است و غافلگیر کردن او با چیزهایی است که او انتظارش را ندارد. از نظر او وب باید



در پی ساده‌تر کردن و ساده‌تر شدن باشد. برنزی (۱۹۹۱-۱۹۹۰) وب را با سه کار ویژه اصلی تعریف کرده‌است؛ توسعه شبکه‌های اجتماعی^۱، همکاری^۲ و اعتماد^۳ (حفظ حریم‌های شخصی^۴). در این میان پدیدار شدن مفهوم وب معنایی^۵ رویکرد تازه‌ای به توسعه خدمات وب برای بهبود زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی بخشیده است. مبتنی بر این دیدگاه، وب جاری صرفاً اطلاعات و محتوا مانند عکس و متن را نشان می‌دهد، در حالی که از جزئیات و فرآیند مربوط به اطلاعات چیزی منعکس نمی‌کند. به عبارت دیگر به گفته جان مایو یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش‌روی وب، چگونگی تعریف و بهبود تجربه کار بر روی اطلاعات است. از منظر کنسرسیوم وب جهانی^۶، در وب معنایی ارتباط بین داده‌ها با یکدیگر و با جهان حقیقی یک امر ضروری برای بارور کردن تجربه انسان در محیط شبکه و بامعنا ساختن و روح بخشیدن به داده‌ها تلقی می‌شود. صالحی (۱۳۸۴: ص ۳۸) در مقاله خود با عنوان وب، دنیایی بافته از مشارکت، این‌طور بیان می‌کند که بدون آن که چندان متوجه این موضوع باشیم، وب ما را از گیرندگی به دهندگی رسانده است. شاید آن‌چنان دقیق به خاطر نداشته باشیم که از چه زمانی، اما می‌دانیم که اکنون، وقتی عکس‌هایمان را از دوربین دیجیتال به پی‌سی منتقل می‌کنیم، می‌توانیم آنهایی را که دوست داریم در تماشایشان با دیگران شریک شویم روی یکی از سایت‌های به اشتراک گذاری عکس بگذاریم و حتی بعضی از ما که ذوق بیشتری داریم، فتوبلاگی هم برای خود راه انداخته‌ایم. یادمان هست که زمانی که موج وبلاگ نویسی به راه افتاد، یعنی همان زمانی که همگی به یکی از موج‌های بلند وب ۲ خیره شده بودیم، تولد هر وبلاگ اتفاقی مهم بود. اما اکنون که به تخمین در هر ثانیه یک وبلاگ متولد می‌شود، آمدن آنها دیگر کسی را هیجان‌زده نمی‌کند. چون آن موج بلند کار خودش را کرده است و آنهایی را که می‌باید، به ساحل رسانده و اکنون در انتظار به ساحل رسیدن دیگران است. همه این‌ها یعنی این که وب ۲ آمده است و ما متوجه آمدنش نشده‌ایم. نه این که من ایرانی چون چند سالی با فناوری روز دنیا فاصله دارم، آمدنش را احساس نکرده‌ام، نه! بسیاری از کاربران اینترنت در کل دنیا هم هنوز نمی‌دانند که در اتمسفر وب ۲ نفس می‌کشند و رفتارشان مطابق با الگوهای



1. Social Networks
2. Collaboration
3. Trust
4. Privacy
5. Semantic Web
6. World Wide Web Consortume (W3C)

وب ۲ است. متخصصان اینترنت و شبکه وب از جمله اُریلی (۲۰۰۵) جلالی (۱۳۹۱)، هیس و موتا (۲۰۰۸) بر این باوراند که در موج جدید توسعه وب، تلاش بر این است تا محتوا از مرحله ارائه حداکثر اطلاعات به صورت مستقیم در قالب نشانه‌گذاری فرامتن عبور کند و اطلاعات یا دانش با ابعاد و متغیرهای معرف آن مانند محل پدیدآیی، پدیدآورنده، تاریخ و دیگر ویژگی‌ها و پیشینه‌هایی که جزئیات بیشتری را توضیح می‌دهد توصیف شود. در حال حاضر این نوع اطلاعات عموماً در بانک‌های اطلاعاتی ذخیره می‌شود و کمتر در اسناد روی شبکه دیده می‌شود. به علاوه آنچه که به وب معنا و حیات می‌دهد توانایی و ظرفیت این فناوری در تسهیل فضای کنش میان افراد و گروه‌های اجتماعی، نوسازی روابط انسانی و شکل دادن مناسبات اجتماعی و میان فردی است. از این رو می‌توان وب ۲ یا وب معنایی^۲ را محیطی دانست که فرآیند به اشتراک گذاشتن اطلاعات، دانش و منابع را تسهیل می‌کند و الگوهای جدید ارتباطی را ایجاد و توسعه می‌بخشد، به گونه‌ای که به‌طور خودانگیخته از منفعل شدن انسان جلوگیری به عمل می‌آورد و زمینه ساز حضور و همکاری معنادار انسان‌ها با دیگران در دو سطح واقعی و مجازی می‌شود.



وب و تغییر و تحول در ساخت و مفهوم هویت

دورکیم (۱۸۹۴) از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی است که هویت مستقل از عوامل بیرونی و اجتماعی را به پرسش کشید و «من» را محصول جامعه و فرهنگ دانست. با تغییر در نظریه‌های جامعه‌شناسی و سپس پدیدآیی رشته‌های جدیدی نظیر روان‌شناسی اجتماعی (۱۹۵۰) به این سو) و مطالعات فرهنگی (۱۹۶۸) به این سو) جنبه‌های محیطی، اجتماعی و کنش و واکنش انسان با فرهنگ و جامعه در شکل‌گیری و گسترش هویت اهمیت بسیاری پیدا کرد. تحول در نظریه‌های روان‌شناسی نیز به این رویکرد کمک قابل ملاحظه‌ای کرده‌است. اریکسون (۱۹۹۴) - (۱۹۰۲) نخستین روان‌شناسی است که در نظریه رشد و شخصیت خود، مفهوم هویت را فراتر از دوره کودکی و نوجوانی تعریف کرده است و بر تأثیر فرهنگ، تاریخ و جامعه بر شکل‌گیری کل شخصیت و از جمله هویت تا بزرگسالی تأکید کرده است. از نظر اریکسون مفهوم و فرآیند هویت‌یابی به‌طور توأمان تحت تأثیر هویت فردی و هویت جمعی قرار دارد. ادگار و سجویک (۱۳۸۸: ۵۶۰) بر این باورند که ساختارگرایان و پساساختارگرایانی که از چیستی «خود» پرسش

1. HTML

2.

می‌کند، آنگونه که در کارهای لاکان، آلتوسر و فوکو می‌بینیم، موضوع هویت نه تنها بر ساخته می‌شود بلکه به دیگری نیز وابسته است و فضایی نظری بر روی گروه‌های پیرامونی و حاشیه‌ای می‌گشاید تا هویت‌هایی را که در فرآیند سلطه بدن‌ها زور وارد می‌آورند به چالش فراخواند. از این رو، هویت‌های قومی و زنان نیز وارد فرآیند تحول سیاسی می‌شوند. مارسیا و گروهی از همکاران (۱۹۹۱) از جمله روان‌شناسانی هستند که به روش مصاحبه باز، تحقیقات در خوری را درباره هویت انجام داده‌اند که در سال‌های اخیر با استقبال خوبی روبرو شده است. از نظر مارسیا دوره‌های کوشش، سازگاری و انطباق برای هویت‌یابی یا تغییر آن در طول زندگی ادامه پیدا می‌کند. مبتنی بر نظر مارسیا و همکاران، هرچند افراد به طور کلی دارای درجات نازلی از هویت پراکنده‌اند و نیز عموماً و به ویژه در سطح نوجوانی دارای درجاتی از هویت کسب شده و موفق هستند، اما از آنجا که هویت‌یابی در گستره زندگی تداوم دارد همراه با تحول زندگی می‌تواند دست خوش تغییراتی شود. در نظریه روان‌تحلیل‌گری دو فرآیند هشیار و ناهشیار بر هویت و من فرد تأثیرگذار هستند. فروید به از پیش تعیین شدگی هویت و آدلر به غایت‌نگری هویت معتقداند. اما یونگ بر این باور بود که ذهن انسان از یک سو از پیش تعیین‌کننده‌ها تأثیر می‌پذیرد و محصول گذشته تاریخی و فرهنگی است و از دیگر سو، خود اوست که آینده خود را تعیین می‌کند. آن‌چنان که محفوظی، بزرگی و فلاح (۱۳۷۸: ۳۲۶) به آن اشاره کرده‌اند، یونگ با بهره‌گیری از نظریه کانت که هر دو عامل را شیوه‌های شناخت انسان نسبت به خود می‌دانست و نه قوانین قطعی و تعیین شده طبیعت و با تأثیرپذیری از رویکرد جامعه‌شناختی دورکیم مفهوم «روح جمعی» را مورد توجه قرار داد. همانگونه که مشاهده می‌شود در سیر تحول اندیشه روان‌شناسان در موضوع هویت، به تدریج جنبه‌های بیرون از فرد و ابعاد فرهنگی و اجتماعی که عموماً مورد تأکید جامعه‌شناسان است، اهمیت بیشتری می‌یابد. ماسن و همکاران (۱۳۹۰) بر این باورند که عواملی مانند روابط با والدین، فشارهای فرهنگی، فشارهای خرده فرهنگی و حتی میزان تغییرات اجتماعی بر الگوهای شکل‌گیری هویت در میان نوجوانان تأثیرات متفاوتی می‌گذارد. ماسن و همکاران در ادامه به نقل از (کانجر و پیترسن، ۱۹۸۴، اریکسون، ۱۹۶۸، مارسیا، ۱۹۸۰ و واترمن، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴) اظهار می‌کنند در یک جامعه ابتدایی و ساده که نقش‌های بزرگسالان محدود است و به ندرت تغییرات اجتماعی رخ می‌دهد، شکل‌گیری هویت امر نسبتاً ساده‌ای است که به سرعت انجام می‌شود. اما در جامعه‌ای که پیچیده است و به سرعت تغییر می‌کند، هویت‌یابی ممکن است عملی مشکل و طولانی باشد.



مسأله هویت^۱ به عنوان یکی از مسائل مهم جهان امروز در معرض تحول و تکانش قرار گرفته است. دلیل این تغییر علاوه بر دگرگونی‌های پدیده اجتماعی و فرهنگی و تغییر در سطوح شناخت ما در همه جهات زندگی، به قدرتمندتر شدن فرآیند جهانی شدن، ظهور جامعه اطلاعاتی^۲ و در پی آن گسترش شتابان فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات بر می‌گردد که تأثیر بلافصل آن در شکل‌گیری و تغییر هویت‌های فردی و جمعی نمایان‌گر شده است. حاتمی و حاتمی (۱۳۹۱) با تأکید بر تأثیر علم و فناوری بر نظام مفهومی از جمله مفهوم خود و هویت به نقل از پستر (۱۹۹۶) و دلوز و گوتاری (۱۹۸۷) می‌گویند در اثر گسترش فضای مجازی و پیشرفت در نسل‌های جدید ارتباطات، اشکال جدیدی از روابط و شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و مرزهای هویت فردی و جمعی را از بین می‌برد و حتی هویت‌های متفاوتی را در فضای مجازی تولید و باز تولید می‌کند. صباغیان (۱۳۹۰) می‌گوید فضای مجازی شیوه تعامل انسان‌ها را متحول کرده است، دسترسی به اطلاعات و توسعه روابط را تسهیل کرده است و به موازات این تحول از وضعیت آفلاین به وضعیت آن لاین، مفهوم هویت نیز دگرگون شده است. از نظر صباغیان هویت در فضای مجازی با چالش‌هایی مانند اعتماد و مدیریت اعتماد، دیرپایی، حریم خصوصی و پاسخ‌گویی و دزدی هویت مواجه است که نیازمند شناخت دقیق‌تر برای مدیریت و غلبه بر آنها است. به رغم تمامی چالش‌های مورد اشاره، هویت‌جویی‌های فردی و جمعی یکی از پیامدهای ناشی از گسترش فضای مجازی به شمار می‌آید. آن‌چنان‌که تافلر (۲۰۰۶: ۲۹) نیز بدان اشاره دارد، امروز ایمیل‌ها، وبلاگ‌ها و فضای دیجیتال، ما و زندگی ما را به محاصره درآورده‌اند. چنین می‌نماید که در این فضا و شرایط، افراد فارغ‌بال از ساز و کارهای زندگی جاری و قواعد حاکم بر محیط پیرامون به رهاسازی ذهن و احساس خود روی آورده‌اند و به زمینه‌ای مناسب برای ارائه "خود" آن‌چنان‌که می‌خواهند دست یافته‌اند. در سطح کلان نیز فرهنگ‌ها، گروه‌ها و اجتماعات محلی و حتی ملی چهره جهان را دگرگون‌یافته می‌بینند و مجالی برای مقابله و یا تعامل فعال با فرهنگ برساخته جهانی و یا فرهنگ مسلط بر جوامع خویش و در نهایت نشان دادن هویت‌های متمایز خود نمی‌یابند. هرچند هویت‌جویی و هویت‌طلبی‌های نوپدید فردی و اجتماعی با یک چالش بزرگ روبرو هستند و آن این است که هویت‌های جدید در شرایط گذار به سوی نظامی جدید با تعارض، تناقض و حیرانی‌هایی

1. identity
2. information society



مواجه و به هرسویی کشانده می‌شوند. احمدی (۱۳۸۸: ۴۹) درباره جایگاه هویت در جهان امروز می‌گوید، درحالی که بحث هویت در دیدگاه‌های کلاسیک از روان‌شناسی گرفته تا جامعه‌شناسی اهمیت خود را از دست نداده است، دهه‌های پایانی قرن بیستم شاهد پیدایش موج جدیدی از دیدگاه‌ها پیرامون هویت بوده است که تحول عمده‌ای در این موضوع ایجاد نموده است. از نظر احمدی در میان نظریه‌هایی که تا حد زیادی بر بحث‌های هویتی به‌طور عام و هویت ملی به‌طور خاص تأثیر گذاشته‌اند می‌توان به دیدگاه‌های زبان‌شناسی، نظریه گفتمان، چند فرهنگ‌گرایی و از همه مهم‌تر به پست مدرنیسم اشاره کرد. برخی صاحب‌نظران این عصر از جمله (کستلز، ۱۳۸۰: ۱۸) بر ساختن هویت‌های جدید به ویژه در اشکال جمعی آن مانند جنبش محیط زیست و فمینیسم را یکی از پایه‌های زندگی در دنیای جدید می‌دانند که در پی تغییر شکل مناسبات انسانی در بنیادی‌ترین سطوح آن است. تاجیک (۱۳۸۳) معتقد است فرآیند جهانی‌شدن از رهگذر دگرگون کردن شالوده‌های نظری رویکردهای سنتی، فرآیند هویت‌سازی را دست‌خوش تحولات جدی نموده است که از رهگذر آن مرزهای سیاسی، فرهنگی و هویتی به‌طور فرآینده‌ای فروریخته است. جوامع در جامعه جهانی ادغام می‌شوند و توسل به عناصر هویت‌بخش خاص فرهنگی نیز تشدید می‌شود. زمانی که از تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و فضای مجازی بر هویت، سخن به میان می‌آید، ناگزیر باید بر این نکته تأکید کرد که مناسبات در فضای سایبرنیتیکی در دو سطح روابط فردی - میان فردی و هویت‌های گروهی معنا می‌یابد. در سطح فردی ما با هویت‌های رها شده و خیالی و روابط فردی و میان‌فردی گاه تاریک، گاه روشن و گاه مبهم روبرو می‌شویم. شخص در این فضا ناخودآگاه خود را آرزو می‌کند و آرزوها و خیالات خود (واقعی و مجازی) را در فضای روان‌شناختی و سایبری دیگران به اشتراک می‌گذارد و با پرسه زدن در خیابان‌ها، راهروها و اطاق‌های دیگران اندیشه‌ها و احساس‌های خود را در میان می‌گذارد و آنها را در جمع نیمه‌آشنای دیگران مورد ارزیابی قرار می‌دهد. شاید این شرایط بیان‌گر نوعی تناقض باشد، اما حضور ما در فضای شبکه‌های مجازی همان نقش رویا و خیال را دارد که روان‌تحلیلی‌ها بر آن تأکید می‌گذاشتند. روان‌شناسان‌شناختی، بر این باورند که هر شخص دارای شهر روان‌شناختی خاص خود است که بر نگرش، احساس و رفتار و نهایتاً شیوه دآوری او درباره اشخاص و پدیده‌های پیرامون تأثیر می‌گذارد. از این‌رو می‌توان چنین استنباط کرد که فضای مجازی همان کارکردی را در ساختن و برکشیدن هویت دارد که به گفته روان‌شناسان شناختی، «شهر روان‌شناختی» برای



انسان‌ها در مقابل فضای فیزیکی دارد. در نظر فروید و دیگر روانکاوان، رویا و خیال از آن جهت نقش مثبتی دارد که خواب و زندگی را فارغ از واقعیت‌های بیداری برای ما زیبا و قابل تحمل می‌نماید. این همان چیزی است که محیط الکترونیکی و فضای مجازی برای ما فراهم می‌آورد. بر اساس این شواهد، فضای مجازی به ویژه در بخش‌های عمومی و عموماً فراغتی آن آگاهانه انتخاب می‌شود، زیرا که بخشی از هویت ما را بازتاب می‌دهد و ما خود را غرق در آن می‌سازیم که از آن طریق بخشی از هویت خود را در آن بازسازی و جست‌وجو کنیم. در چارچوب نظریه لکان که حقیقت جز واقعیت و شبیه به امری تخیلی است، ورود به فضای مجازی برای عمل رها شده و خیال وار و نیز رسیدن به امیال خود در جوی شبیه به جو بازی است که در آن همه کارهایی را که هیچ‌گاه در دنیای واقعی قادر به انجام آنها نیستیم را می‌توانیم انجام دهیم و «هویت حقیقی» خود را به دور از واقعیت عموماً مصنوعی بیان کنیم و نشان دهیم. اما وجه جمعی هویت در فضای مجازی واقعی‌تر و از ویژگی‌های روشن‌تری برخوردار است. زیرا هویت جمعی در این فضا و از طریق این فضا قصد ایجاد و نشان دادن واقعیت خود را دارد و در صدد ایفای نقش‌های هویدا در فضای فرامحلی و فراملی است.



گزارشی از ایران و ملاحظاتی درباره آن

شمار کاربران ایران در سال ۱۳۷۳ (۱۹۹۴) یعنی یک سال پس از ورود اینترنت به ایران از ۲۵۰ نفر فراتر نرفت. این رقم به گزارش شورای عالی اطلاع رسانی در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) به ۱۵ میلیون نفر و به گزارش شرکت مخابرات ایران تعداد کاربران اینترنت هم‌اکنون (۱۳۹۲) به ۳۰ میلیون نفر رسیده است. بر اساس همین گزارش در حال حاضر بیش از ۱۰۴۷ شهر کشور به شبکه انتقال اطلاعات متصل شده‌اند، ۴۰۰ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی از طریق فیبر نوری با شبکه جهانی ارتباط یافته‌اند و بیش از ۱۰۰۰۰ مدرسه به سیستم شبکه اطلاع رسانی جهانی و ملی پیوسته‌اند و برنامه هوشمند سازی تمامی مدارس کشور در دستور کار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفته است. هرچند ایران در مقایسه با دیگر کشورهای جهان از حیث شاخص‌های دسترسی به فضا و محتوای دیجیتال در مرتبه درخور خود نیست، اما نرخ رشد کاربران و گردش اطلاعات در شبکه‌های ایرانی نشان‌گر علاقه روزافزون جامعه ایران و وجود زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب برای توسعه کمی و کیفی اینترنت و رسانه‌های الکترونیکی در ایران است. مقایسه رشد و توسعه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی با دو رسانه



رادیو و تلویزیون ملاک خوبی برای این ارزیابی تلقی می‌شود. در این باره معتمدنژاد، شکر خواه، ابراهیم‌آبادی و نمک‌دوست (۱۳۸۲) اظهار کرده‌اند که جامعه ایران از جمله جوامعی بوده است که نسبت به استفاده از رادیو و تلویزیون مقاومت‌هایی از خود نشان داده‌است. همین عامل سبب شده بود که برخی اندیشمندان به‌روز مقاومت‌های مشابه در برابر رایانه و فناوری‌های اطلاعاتی را پیش‌بینی کنند. اما چنین نشد و بسیاری از نهادهای ریشه‌دار و سنتی در کنار نهادهای مدرن به استقبالی بی‌سابقه از جامعه اطلاعاتی دست زدند. جشن ثبت صد هزارمین نام دامنه کشوری نقطه‌ای آر^۱ در مهرماه سال ۱۳۸۷ توسط پژوهش‌گاه دانش‌های بنیادی که عموماً توسط نهادهای رسمی و غیر رسمی ایرانی ثبت و به کار گرفته می‌شود نشانه‌ای از این تحول، یعنی استقبال نهادی و سازمانی از شبکه جهانی در کنار استقبال عمومی از آن تلقی می‌شود. این در حالی است که به گزارش مرکز ثبت دامنه‌ی آر. پژوهشگاه دانش‌های بنیادی (۱۳۸۷)، رفته رفته شمار دامنه‌های کشوری در ایران از شمار دامنه‌های عمومی^۲ فراتر می‌رود. این روند از یک سو به معنای رشد کاربران ایرانی شبکه جهانی و از دیگر سو نمایانگر گرایش کاربران به این نوع دامنه به علت شناسایی بیشتری که از نوع فعالیت ایجاد می‌کند و منابع و امکانات جانبی که کارگزاران و شرکت‌های اینترنتی به کاربران فارسی زبان و ایرانی ارائه می‌کنند است. در چنین شرایطی تأمل و مطالعه درباره نسبت فناوری‌های اطلاعاتی از جمله وب در ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن ضرورت می‌یابد و قلمروهای جدیدی از پژوهش را پیش پای محققان علوم اجتماعی، ارتباطات، روان‌شناسی و متخصصان شبکه قرار می‌دهد. پیچیدگی مطالعات فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی از جمله در ایران این است که موانع و عوامل کیفی استفاده از فناوری‌هایی مانند تلفن همراه و اینترنت در این کشور ناشناخته‌است و لذا نگاه عمیق‌تری به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی کشور را ایجاب می‌کند.

نتیجه‌گیری

فهم تغییرات و تحولات ناشی از تعامل انسان با فضای سایبر که در حال احاطه کردن زندگی ما است به تدریج در حال تبدیل شدن به مهم‌ترین دغدغه و مسأله محققان علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی است. از یک سو، تأثیر فرهنگ، جامعه و سنت‌های برآمده از آن بر فضای مجازی و مناسبات و محتوای درون آن، و از سوی دیگر، تأثیر فضای مجازی بر فرهنگ،

1. www.nic.ir

2. net, com. org

کنش‌های اجتماعی، هویت، نگرش‌ها و رفتارهای فردی و جمعی از مهم‌ترین سرلیست‌های تحقیق در این حوزه به شمار می‌آید. اما با توجه به سابقه و تجربه کم تعامل انسان با فناوری‌های اطلاعاتی و فضای مجازی چقدر می‌توان به تحقیقات و یافته‌های این عرصه تکیه کرد؟ به‌ویژه در زمینه پیامدهای فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و فضای سایبر. در این مقاله تلاش شد یکی از وجوه پر اهمیت برخورد و تعامل زندگی در فضای واقعی و مجازی یعنی نسبت میان فناوری‌های اطلاعاتی با تغییرات در فرهنگ و مناسبات اجتماعی توضیح داده شود. با مروری بر آنچه که نگاشته شد و با تکیه بر یافته‌های مورد اشاره در مقاله می‌توان گفت که هرچند اکنون روابط انسان با فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و فضای مجازی برآمده از آن و تعاملات و رخدادهای درون شبکه‌های اطلاعاتی و آسیب‌شناسی آن یکی از راه‌های شناخت وضعیت کنونی و چرخش در افکار و رفتارهای نسل‌های جدید به حساب می‌آید اما باید در نتایج قدری تأمل کرد. با توجه به مواردی از تحقیقات که در مقدمه بحث به آنها اشاره شد، آسیب‌شناسی‌هایی که در سال‌های اخیر در باب آسیب‌شناسی و آثار و پیامدهای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی رایج شده است، چنین به نظر می‌رسد که تحقیقات اخیر محققان ایرانی و دیگر کشورها، درباره تأثیرات فناوری‌های اطلاعاتی و فضای مجازی دچار کژراهه تشخیص اولویت‌ها شده است و به‌جای پرداختن به موضوعات اساسی در دام آسیب‌شناسی‌های نه چندان دقیق افتاده است که می‌تواند مطالعات فرهنگی و اجتماعی فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات را از تحقیقات پایه، راهبردی و معطوف به آینده محروم نماید. در این روند موضوع‌هایی نظیر محتوای موجود در فضای مجازی، زبان استفاده از فناوری و شبکه‌های اطلاعاتی، الگوهای استفاده از فناوری و اشکال متنوع تعامل و گفت‌وگو در فضای مجازی که قطعاً اثرات ریشه‌داری بر فرهنگ، الگوهای رفتاری و هویت‌یابی نسل‌های جدید دارد فراموش شده است و به یک‌باره بر آسیب‌ها و مشکلات ناشی از فناوری‌ها با نظرگاه و روش‌های سنتی تأکید شده است. با تکیه بر رویکردها و یافته‌هایی که به آنها اشاره شد و تحقیقاتی که در جهان و ایران انجام گرفته است، می‌توان گفت، هرچند فرآیند دسترسی و بهره‌مندی از فناوری‌های اطلاعاتی، اینترنت و شبکه‌های ارتباطات کامپیوتری، فرهنگ کاربران شبکه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و الگوهای نوینی از تعامل، ارتباط و هویت را بازتولید می‌کند و شکل می‌دهد اما در حال حاضر، الگوی استفاده از اینترنت بیشتر تحت تأثیر فضای فرهنگی، شرایط اجتماعی و آمادگی‌ها و آورده‌های ذهنی، نگرشی، احساسی و رفتاری افراد کاربران قرار دارد. از این‌رو،



در دآوری آثار، پیامدها و آسیب‌های ناشی از رسانه‌های الکترونیکی باید تأمل بیشتری به خرج داد و منتظر زمان بیشتری بود. به عبارت دیگر، ما نمی‌توانیم با منطق و روش کهنه به استقبال و ادراک پدیده‌های نو مانند الگوی روابط متقابل و هویت‌جویی‌های جدید در فضای مجازی بپردازیم و در نتیجه مشکلات جامعه و فرهنگ را که در فضای مجازی امکان ظهور می‌یابد و بازنمایی می‌شود را به گردن محیط‌های الکترونیکی و فضای مجازی بیندازیم. در این باره و درگام نخست توصیه می‌شود وجوه اساسی رابطه انسان و فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در معرض واکاوی قرار گیرد و از نگاه‌های سطحی و آسیب‌شناسی‌های یک‌طرفه و ارجاع فوری مشکلات ذهنی و رفتاری به این فضا پرهیز گردد.



کتابنامه

- ابراهیم آبادی، حسین (۱۳۸۹)، *آموزش و یادگیری در محیط وب*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، *بنیادهای هویت ملی ایرانی: چهارچوب نظری هویت ملی شهروند محور*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ادگار، اندرو و پیتر سجویک (۱۳۸۸)، *مفاهیم کلیدی در نظریه فرهنگی*، (مترجم: تقویان)، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- باقری اصل، رضا (۱۳۹۰)، *تبیین قانون جرایم رایانه‌ای، در کتاب فضای مجازی: ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی*، (زیر نظر یونس شکرخواه)، تهران: دانشگاه تهران.
- پایا، علی (۱۳۸۷)، *فناوری، فرهنگ و اخلاق*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- تاپیا و همکاران (۱۹۹۵)، *درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی: مجموعه ضرورت‌های جامعه‌شناسی روانی*، (مترجم: منطقی)، تهران: نی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، *مطالعات فرهنگی و آینده‌اندیشی: هویت‌هایی که فردا می‌آیند*، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- تافلر، الوین و هایدی تافلر (۲۰۰۶)، *ثروت انقلابی*، (مترجم: امیر رحیمی)، تهران: ماهی.
- تهرانی‌ها، مجید (۱۳۷۶)، *الگوهای عمومی توسعه ارتباطات*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) (جزوه منتشر نشده است).
- تومی، ایلکا (۱۳۸۳)، *جامعه‌دانی و پرسش‌های پژوهشی آینده*، (مترجم: اسماعیل یزدان پور)، تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- تیم، برنزی (۱۳۸۵)، «نگاهی چند جانبه به روند گسترش وب ۲»، (مترجم: علی حسینی)، *شبکه*، شماره ۷۳.
- حاتمی، جواد و امیرجلال حاتمی (۱۳۹۱)، «آینده‌ای برای یک مفهوم: بررسی تأثیرات احتمالی علم، فناوری و سبک زندگی جدید بر تغییر مفهوم خود (خویشتن)»، *رویش روان‌شناسی*، شماره ۳.
- داتن، ویلیام (۱۳۸۴)، *دگرگونی اجتماعی در جامعه اطلاعاتی*، (مترجم: توکل و کاظمی پور)، تهران: کمیسیون ملی یونسکو - ایران.
- دبیر خانه شورای عالی اطلاع‌رسانی (۱۳۸۴)، *وضعیت فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایران*، تهران: دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی.
- شرکت مخابرات ایران (۱۳۸۷)، *وضعیت شبکه مخابراتی و فناوری اطلاعات در کشور*، تهران: دفتر روابط عمومی و امور بین‌الملل.
- شکرخواه، یونس (۱۳۸۵)، *بررسی و ارزیابی گزارش‌ها، اسناد و مصوبات دومین اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی*، تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- شکرخواه، یونس، حسن نمک‌دوست و حسین ابراهیم‌آبادی (۱۳۸۲)، *ایران و جامعه اطلاعاتی: وضعیت، پیشرفت و چشم‌انداز*، تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات وابسته به دانشگاه علامه طباطبایی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات.





صالحی، علیرضا (۱۳۸۴)، «وب ۲ دنیایی بافته از مشارکت»، شبکه، شماره ۶۳، پایگاه اطلاع رسانی ماهنامه شبکه، صباغیان، علی (۱۳۹۰)، *هویت در فضای مجازی، در کتاب فضای مجازی: ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی*، (زیر نظر یونس شکرخواه)، تهران: دانشگاه تهران.

فریدمن، توماس ال (۲۰۰۷)، *جهان مسطح است: تاریخ فشرده قرن بیست و یکم*، (مترجم: احمد عزیزی)، تهران: هرمس.

کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای*، (مترجم: علیقلیان و خاکباز)، تهران: طرح نو.

ماسن و همکاران (۲۰۰۸)، *رشد و شخصیت کودک*، (مترجم: مهشید یاسائی)، تهران: آستان قدس رضوی. محسنی، منوچهر (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی*، تهران: دیدار.

محموظی، محمود، صادق جان‌بزرگی، مسعود آزاد و پرویز فلاح (۱۳۷۷)، *سیر تحول نظام‌های روان‌شناسی*، جلد ۱، تهران: جامعه پژوهشگران.

محمدی، جواد (۱۳۹۰)، *فضای مجازی و نقض حریم خصوصی*، در کتاب *فضای مجازی: ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی*، (زیر نظر یونس شکرخواه)، تهران: دانشگاه تهران.

معمدنژاد، کاظم (۱۳۸۴)، *جامعه اطلاعاتی: اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های انتقادی و چشم‌اندازهای جهانی*، تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.

معمدنژاد، کاظم (۱۳۹۰)، *اجلاس جهانی سران در باره جامعه اطلاعاتی: ژنو، دسامبر ۲۰۰۳؛ تونس، نوامبر ۲۰۰۵*، تهران: میراث قلم.

معمدنژاد، کاظم و حسین ابراهیم‌آبادی (۱۳۸۴)، *ابعاد فرهنگی، اجتماعی و حقوقی ارتباطات و فناوری‌های اطلاعات*، تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.

نقطه آی آر در ایران (۱۳۸۷)، *جشن ثبت صد هزارمین نام در دامنه نقطه آی آر*، تهران: پژوهش‌گاه دانش‌های بنیادی-مرکز ثبت دامنه کشوری.

نوربخش، یونس و محمد مهدی مولایی (۱۳۹۰)، *هرزه‌نگاری اینترنتی در ایران و نقش خانواده در کنترل آن*، *فضای مجازی، ملاحظات اخلاقی، حقوقی و اجتماعی*، (زیر نظر یونس شکرخواه) تهران: دانشگاه تهران.

Dutton, W.G. (2003), *information society and Education*. Paris: UNESCO press for the world summit on the information society

Garrison Cleveland-Innes(2010).The role of learner in an online community of inquiry:Instructor support for first-time online learners.Int.Karacapilidis,Nikos. (Eds).*Web-Based Learning Solutions For Communities Of Practice:Developing Virtual Environments For Social and Pedagogical Advancement*,University of Patras,Greece.United State of American,Hershey.New York:Copy right ,2010 IGI

Heath ,Tom and Motta, Enrico .(2008). Ease of Interaction plus: Combining Web2.0 and the Semantic Web in a Reviewing Site. Journal of Web Semantics (Special Issue on Web2.0 and the Semantic Web), Vol. 6(1)

JohnMayo,Smith.(2007)) How ambient technologies enhance the ‘magic of retail’. Available at www.rga.com

Kampa,Josien.(2007).web 2.0 supported rural communities:a case study from Portugal Knowledge Management for Development Journal 3(1):79-92 .Available at www.kn4dev.org journal

OReilly,tim.(2005). What Is Web 2.0? in the conference brainstorming session between O’Reilly and MediaLive International. Available at <http://tim.oreilly.com>

Patru, M.(2005). *Information And Communication Technologies In Schools: A Hand Book For Teachers Or How Ict Can Create New, Open Learning Environments*. Paris: UNESCO.

Santrock,John w,(2011). *Lifespan Development:SocioEmotionalDevelopment In Adolescence*(chapter12),Publisher: Mc Graw- Hill Education,2011

Unite nations development programmed (UNDP) and Digital opportunity Initiative (2001-2007). *Final report of the Digital opportunity and digital divide. UNDP : UNDP press*

Warschauer, M.(2003). *Technology And Social Inclusion: Re Thinking The Digital Divide*. Massachuset And London: The MIT Press.

